

## اسوه وفا

### علیرضا نجفی

بارالها دوست می‌دارم تو را ای تو با جان و دل من آشنا  
ای خدای بی شریک و بی قرین در میان دوستانم بهترین  
با نام و یاد خدای مهربان و با سلام به شما خوبان و دوستداران و عزاداران واقعی  
سیدالشهدا علیه السلام.

اول سراغ موضوع برنامه امروز می‌رویم.

امروز قصد داریم با عاشورائیان بیشتر آشنا شویم پس من سؤالاتی را از شما  
می‌پرسم و شما هم دقت کنید و پاسخ درست را بیان کنید.  
۱. کوچک‌ترین شهید کربلا که بود؟ علی اصغر علیه السلام  
۲. کودکی که در آغوش امام حسین علیه السلام دستش را دشمن قطع کرد و به شهادت  
رساند؟<sup>۱</sup> عبدالله بن حسن  
۳. اسم دو فرزند نوجوان حضرت زینب علیه السلام که در کربلا جنگیدند و به شهادت  
رسیدند؟ عون و محمد

---

۱. در صورت داشتن دقت کافی می‌توان در حدود یکی از این شهدا خردسال بیشتر صحبت نمود.

۴. نوجوان ۱۲ یا ۱۳ ساله‌ای از حضرت مسلم که در روز عاشورا شهید شد؟ محمد بن مسلم  
 امروز هم می‌خواهیم با نوجوان شجاعی آشنا شویم که یادگار امام حسن مجتبی علیه‌السلام می‌باشد. حالا یک‌بار دیگر به نوشته اول برنامه دقت کنید بیشتر می‌توانید اسم آن نوجوان را حدس بزنید؟  
 بله، نوجوانی که از او صحبت می‌کنیم: فرزند نوجوان، شجاع  
 و دلیر امام حسن علیه‌السلام است.<sup>۱</sup>

اما اولین سخن ما دربارهٔ «ولادت» حضرت قاسم است.<sup>۲</sup>  
 قاسم در شهر **مدینه** در سال **۴۶ هجری قمری** از مادری به نام **زقله** و پدری چون **امام حسن علیه‌السلام** متولد شد و با آمدنش شادی و سرور را به خانهٔ **امام حسن علیه‌السلام** به ارمغان آورد.  
 امام حسن علیه‌السلام به یاد فرزند جدش (پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نام این کودک را **قاسم** نهاد و مادرش را از آن تاریخ به بعد **ام‌قاسم** صدا زدند.  
 ولی دشمنان حضرت اجازه ندادند و سه سال بعد امام حسن علیه‌السلام را مسموم کردند و به شهادت رساندند و سرپرستی قاسم به عمویش یعنی **امام حسین علیه‌السلام** سپرده شد و دوران جدیدی در زندگی او شروع شد.<sup>۳</sup> قاسم در کنار عمو شروع کرد به یاد گرفتن و آموختن اخلاق و رفتار و آداب اسلامی تا اینکه واقعه کربلا پیش آمد.

### شجاعت

در مورد شجاعت قاسم می‌خواهیم با نحوه پیمان بستن دربارهٔ یاران امام حسین علیه‌السلام و صحبت‌های امام با قاسم در شب عاشورا بیشتر آشنا شویم. به همین خاطر از

۱. مری در سه مرحله، حروف اول و آخر را بر روی تخته می‌نویسد.

۲. این قسمت به کمک کارت‌ها بیان می‌شود.

۳. برگرفته از کتاب اسوه‌هایی از قیام عاشورا، حسین اسعدی، ص ۱۶۷ - ۱۶۸.

دانش‌آموزی که در مرحله قبل نام «قاسم» را توانستند حدس بزنند؛<sup>۱</sup> می‌خواهم این قسمت را که من درون برگه‌ای نوشته‌ام اجرا کند.<sup>۲</sup>

البته باید توضیح دهم که این قسمت نقطه‌گذاری نشده و دوست شما باید خودش نقطه کلمات را حدس بزند و متن را قرائت کند.

«در شب عاشورا، امام حسین علیه السلام اصحاب و یاران باوفای خویش را جمع کرد و بیعت و عهد خود را از آنان برداشت و فرمود: ما فردا کشته می‌شویم، هر که می‌خواهد برود از تاریکی شب استفاده کند و برود.

یاران و اصحاب یکی پس از دیگری از جای خود برخاستند و اظهار وفاداری کردند. قاسم، این نوجوان شجاع و فداکار برخاست و گفت: عموجان: آیا من هم کشته خواهم شد؟

امام فرمود: پسر! مرگ در نظر تو چگونه است؟

قاسم گفت: عموجان! مرگ در راه تو و در رکاب تو بر من از غسل شیرین‌تر است.

امام فرمود: آری به خدا سوگند، تو هم کشته می‌شوی.

گویا با این جمله امام حسین علیه السلام قاسم نفس راحتی کشید و خوشحال شد که جزء رزمندگان فردا خواهد بود.»<sup>۳</sup>

### شهادت

جنگ سختی بود. یاران باوفای امام حسین علیه السلام یکی یکی شجاعت و وفاداری خود را به امام و دین اسلام نشان می‌دادند و یکی پس از دیگری به میدان مبارزه می‌رفتند و با شهادت خویش به دیدار معبودشان می‌شتافتند.

حمید بن مسلم یکی از سربازان دشمن است، او می‌گوید:<sup>۴</sup>

من در سپاه ابن‌سعد بودم، نوجوانی را دیدم که به میدان آمد، صورتش مانند پاره‌ای از ماه بود، شمشیری در دست و پیراهنی بر تن داشت حتی بند یکی از کفش‌های او گسیخته بود. فراموش نمی‌کنم که بند کفش چپش بود.

۱. می‌توان از دانش‌آموزی که بیشترین پاسخ‌ها را داده است نیز کمک گرفت.

۲. متن را بدون نقطه می‌نویسیم تا دانش‌آموز آن را بخواند.

۳. در صورتی که وقت داشتیم از دانش‌آموز دیگری می‌خواهیم که او هم یک‌بار دیگر بخواند تا در ذهن بچه‌ها بهتر جا بگیرد.

۴. قبلاً با دو دانش‌آموز هماهنگ کنید و متن این قسمت را به آنها دهید تا در نقش حمید بن مسلم و عمرو بن سعد متن را برای بچه‌ها دکلمه کنند و شما را در اجرا همراهی کنند.

عمرو بن سعد بن نفیل از دی گفت: به خدا سوگند حمله‌ای سخت بر او خواهم کرد و او را خواهم کشت.

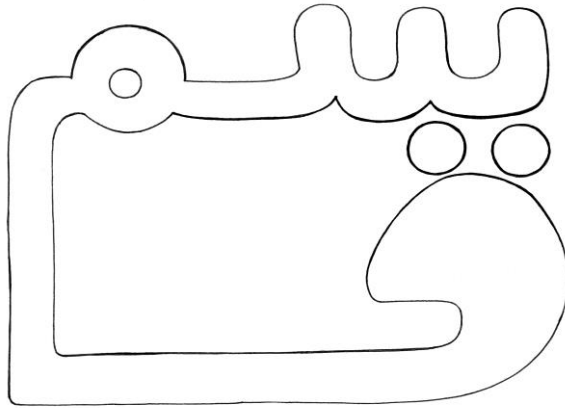
گفتم: سبحان الله. این چه کاری است که می‌خواهی انجام دهی؟ به خدا اگر او حتی مرا بزند، دستم را به سویش دراز نمی‌کنم. پس تو هم دستت را به خون او آلوده نکن! همان کسانی که او را محاصره کرده‌اند برای از پای درآوردنش کافی هستند.

گفت: به خدا سوگند بر او سخت خواهم گرفت.

این سخن را گفت و به سمت او تاخت. چنان شمشیری بر سر آن نوجوان فرود آورد که با صورت بر زمین افتاد و صدا زد: عمو جان! عمو جان! [بیا].

امام حسین علیه السلام تا صدای قاسم را شنید، مانند بازی تیزپرواز به سوی او شتافت و مثل شیری خشمگین حمله کرد. تا به عمرو بن سعد رسید شمشیرش را به سوی او فرود آورد. عمرو دستش را سپر کرد. دست عمرو از بازو قطع شد، نعره‌ای کشید و افتاد. لشکر برای نجات عمرو بن سعد به میدان تاخت. جنگ سختی درگرفت و بدن غرق به خون قاسم میان پای اسب‌ها گم شد. وقتی که غبار میدان فرو نشست، دیدم امام که بالای سر آن نوجوان ایستاده و به او نگاه می‌کند.<sup>۱</sup> آری قاسم با فرق شکافته و بدن مجروح و پایمال شده از سم اسب‌های دشمن روی خاک داغ کربلا و در برابر آفتاب سوزان، پای بر زمین می‌سایید. امام حسین علیه السلام نشست و بدن عزیزش را به آغوش گرفت و قاسم آرام‌آرام در آغوش گرم عمو به شهادت رسید.<sup>۲</sup>

شهادت او به قدری بر امام حسین علیه السلام سخت بود که خطاب به قاسم جمله‌ای بیان کرد که می‌خواهیم به کمک شما در قالب جدولی آن جمله امام حسین علیه السلام را به دست آوریم.



۱. از این قسمت دوباره مربی سخن را ادامه می‌دهد.  
 ۲. سیداحمد موسوی وادقانی، یاران کوچک امام حسین علیه السلام، ص ۱۸۲.

### سؤالات<sup>۱</sup>

- ۱ - ستون دین است؟ (۱۶ - ۵ - ۱ - ۲)
  - ۲ - شبی بهتر از هزار ماه؟ (۱۵ - ۱۳ - ۱۸ - ۱۷ - ۱۲)
  - ۳ - جهان پهلوانی ایرانی که در کشتی و جوانمردی معروف است و در ابن بابویه شهر ری مدفون است؟ (۶ - ۷ - ۲۴ - ۲۱)
  - ۴ - لباس حاجیان در مکه است؟ (۹ - ۴ - ۳ - ۱۴ - ۲۰)
  - ۵ - پیامبر قوم عاد که در سرزمین احقاف زندگی می‌کرد و گرفتار طوفان و تندباد شدند؟ (۲۳ - ۲۵ - ۳۲)
  - ۶ - سپاس و سپاس‌گزاری در مقابل نعمت‌ها؟ (۳۰ - ۲۹ - ۲۸ - ۲۶)
  - ۷ - نام دیگر هدیه را گویند؟ (۲۲ - ۲۷ - ۱۰ - ۱۱)
  - ۸ - مادر ورزش‌هاست؟ (۸ - ۱۹)
- اگر حروف جدول را به ترتیب شماره خانه‌ها کنار هم قرار دهید کدام امام بدست می‌آید.
- بله. امام حسین علیه السلام در کنار جنازه غرق در خون حضرت قاسم علیه السلام فرمود: «از رحمت خدا دور باشند قومی که تو را کشتند.»<sup>۲</sup>
- اجازه دهید به همراه شما چند جمله از زیارت ناحیه مقدسه را بخوانیم و چند جمله‌ای به این نوجوان بزرگوار و فداکار در رکاب امام حسین علیه السلام عرض ادب نماییم:<sup>۳</sup>
- السلام علی القاسم بن الحسن بن علی، المضراب هامة، المسلوب لامته، حسین نادی  
الحسین عمّه؛
- سلام بر قاسم پسر امام حسن علیه السلام آن نوجوانی که دشمن فرقه را شکافت و لباس جنگی‌اش را ربود، آنگاه که عمویش حسین را به کمک طلبید.
- فجلی علیه عمّه کالصقر، و هو یفحص برجلیه التراب و الحسین یقول بعداً لقوم؛  
امام حسین علیه السلام مانند باز تیرپرواز بر بالین او حاضر شد و او پاهایش را بر خاک گرم کربلا می‌سایید، در این هنگام امام فرمود: از رحمت خدا

۱. پاسخ‌ها عبارتند از: ۱ - نماز، ۲ - شب قدر، ۳ - تختی، ۴ - احرام، ۵ - هود، ۶ - تشکر، ۷ - کادو، ۸ - دو.

۲. یاران کوچک امام حسین علیه السلام ص ۱۸۵.

۳. می‌توان این فراز از زیارت را روی تابلو نوشت و معنای آن را به بچه‌ها گفت تا آنها هم آن را با شما هم‌خوانی کنند.

قتلوک و من خصمهم يوم القيامة جدک و ابوک.<sup>۱</sup>  
دور باشند قومی که تو را کشتند. آنان که جدّ و پدر بزرگوار تو در روز قیامت دشمن آنها هستند.

### اسوه کمال

قاسم گلی زگلزار ختم‌الانبیاء بود در دشت آرزوها همراه لاله‌ها بود  
کانون عشق و ایمان، دریای لطف و احسان پرچم فراز قرآن، فرزند مجتبی بود  
قاسم ابن الحسن (۳)

او اسوهٔ کمال و هم مظهر ادب بود او معنی وفا و هم معدن حیا بود  
از بس که داشت عشقِ جانبازی و شهادت در نینوای خونین چون نی به صد نوا بود  
قاسم ابن الحسن (۳)

در بشیری ولایت، مانند شیر غران با خصم دیوسیرت، بیکار کرد تا بود  
چون شهد مرگ بر او، شیرین‌تر از عسل بود در سنگر شهادت، او پاسدار حق بود  
قاسم ابن الحسن (۳)

امیدوارم با الهام از زندگی قاسم ابن الحسن الگو قرار دادن او در زندگی، ما نیز در  
زمرهٔ محبین اهل بیت قرار بگیریم.